

جوانان حکمتیست ۹۶

۱۴ تیر ۱۳۸۵

سه شنبه ها منتشر می شود!

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com

برای متوقف کردن احکام اعدام زنان و در حمایت از



مبارزات زنان در ایران، هیات سازمان رهایی زن

در روز چهارشنبه ۷ تیرماه تریا شهابی، لادن داور و ناهید ریاضی از طرف سازمان رهایی زن با پیا الدا لوکاتلی، نماینده ایتالیایی پارلمان اروپا و عضو کمیسیون مربوط به ایران و مارگرته اوکن، نماینده دانمارکی پارلمان اروپا، در بروکسل ملاقات نمودند.

با نمایندگانی از پارلمان اروپا در بروکسل ملاقات کرد!

در این ملاقات مسئله اعدامها در ایران و بخصوص اعدام کودکان زیر ۱۸ سال و زنانی که در دفاع از خود مرتکب جرم می شوند، طرح شد. این هیات نامه ای مبنی بر درخواست از اتحادیه اروپا برای جلوگیری از اعدام چهار زن در ایران، کبری رحمانپور، فاطمه حقیقت پژوه، نازنین مهاباد فاتحی و دلارا دارابی، را تحویل این نمایندگان داده و بر سر جدی بودن خطر اعدام آنها تاکید و خواهان تلاش برای جلوگیری از اعدام این چهار زن شدند. این هیات همچنین مسئله مبارزات زنان در ایران و تلاش آنها برای تغییر وضعیت آپارتاید جنسی را با این نمایندگان در میان گذاشته و سرکوب این مبارزات از جمله تظاهرات زنان در ۲۲ خرداد و دستگیری و ضرب و شتم فعالین زنان و تظاهرکنندگان، را مطرح نمودند.

آنها در این ملاقات خواهان محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات زنان و فعالین حقوق زنان و سرکوب سازمانهای غیر دولتی ای که برای بهبود و تغییر شرایط زنان تلاش می کنند، شدند.

دو نماینده پارلمان اروپا قول پیگیری این چند کیس را به نمایندگان سازمان رهایی زن دادند و راهنمایی های لازم برای دنبال کردن این فعالیتها را نمودند. سازمان رهایی زن فعالیت خود را در حمایت از مبارزات زنان و در جلوگیری از اعدام و سرکوب زنان پیگیرانه به پیش می برد.

۱۸ تیر یادآور سرنگونی انقلابی

بعد هم ۱۸ تیر به محمل بر افراشتن پرچم سرنگونی رژیم تبدیل شد. مردم ۷ سال پیش سرنگونی طلبی را به بستر اصلی جدال با رژیم تبدیل کردند! جنبش سرنگونی که آن روز پا به میدان نهاد یک دست نبود و قرار هم نبود که یک دست بماند! با مرگ دو خرداد و کنار رفتن این گزینه و سرکار آمدن احمدی نژاد جمهوری اسلامی خالص در مقابل مردم قرار گرفته است. این تغییرات صف بندی های جدیدی را در میان جنبش سرنگونی مردم شکل داده است. با بالا گرفتن بحران هسته ای رژیم با آمریکا جنبش سرنگونی شاهد قطب بندی شدیدتری شده است تا آنجا که به سیاست آمریکا بر میگردد شیفت کردن به قوم پرستان و کمکهای مادی و معنوی به قرار است ۱۸ تیر به محمل بر افراشتن پرچم سرنگونی رژیم تبدیل شد. مردم ۷ سال پیش سرنگونی طلبی را به بستر اصلی جدال با رژیم تبدیل کردند! جنبش سرنگونی که آن روز پا به میدان نهاد یک دست نبود و قرار هم نبود که یک دست بماند! با مرگ دو خرداد و کنار رفتن این گزینه و سرکار آمدن احمدی نژاد جمهوری اسلامی خالص در مقابل مردم قرار گرفته است. این تغییرات صف بندی های جدیدی را در میان جنبش سرنگونی مردم شکل داده است. با بالا گرفتن بحران هسته ای رژیم با آمریکا جنبش سرنگونی شاهد قطب بندی شدیدتری شده است تا آنجا که به سیاست آمریکا بر میگردد شیفت کردن به قوم پرستان و کمکهای مادی و معنوی به

اعتصاب غذا راهش نیست!

کارن دیبا، تهران

اکبر گنجی در اطلاعیه ای از مردم خواسته است که در صورت آزاد نشدن منصور اسانلو، رامین جهاننگلو و علی اکبر موسوی خوئینی در ۲۳ تا ۲۵ تیر دست به اعتصاب غذای عمومی بزنند و مدیای جهان را متوجه زندانهای جمهوری اسلامی کند. تا به حال چندین روزنامه نگار و الیت نویسنده و باصطلاح روشنفکر نسبت به این فراخوان جواب مثبت داده و همراه با گنجی دست به این اعتصاب غذا خواهند زد. اما باید دید که آیا اعتصاب غذا و به قول خود گنجی "اعتراض غیر خشونت بار" جواب حل مسئله است؟ به نظر من نه!

جمهوری اسلامی در حال حاضر از نقض کنوانسیون هایی که حتی ←

هفت سال پیش در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ دانشجویان و مردم مبارز در ایران جبهه جدیدی در مقابل رژیم گشودند.

مردم نه زیر پرچم اصلاح رژیم بلکه برای سرنگونی رژیم به میدان آمدند و با شعار "توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد" یا "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" سوت دوره جدیدی از مبارزات سرنگونی طلبانه علیه رژیم را به صدا در آوردند. این اعتراضات پیوسته که از دانشگاه شروع شد به سرعت بخش زیادی از مردم را با خود همراه کرد. با این حرکت شمارش معکوس مرگ اصلاح رژیم هم به صدا در آمد. ۱۸ تیر به این اعتبار باید گرامی داشته شود نه بخاطر اینکه فقط یک اعتراض گسترده علیه رژیم بود بلکه تولد جنبش سرنگونی طلبانه مردم هم در مقیاس جامعه در این روز شکل گرفت. "شش روزی که جمهوری اسلامی را لرزاند" بهترین تعبیری بود که آن روز از ۱۸ تیر شد. اما سالهای

هستند مقدرات جامعه را به سیاستهای جنگ افروزان آمریکا وصل کنند رسوا و عقب راند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

حضور جسورانه گارد آزادی در
شهر نقده و

استقبال صمیمانه مردم! ص ۳

مردم "بد شانس" و یک حزب
"دیوانه"!

مصطفی اسدیپور ص ۳

جنبش توده ای برای سرنگونی
رژیم آغاز می شود!

منصور حکمت ص ۴

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

مردم "بد" شانس و یک حزب "دیوانه"!

با مصطفی اسدپور

جوانان حکمتیست: خبر کمپین مالی برای



تلویزیون ماهواره ای توضیح دهید. و توضیح دهید که این تلویزیون در میان انبوه کانال های تلویزیونی ای که به سوی ایران پخش می شود چه پیام و چه صدای متفاوتی را نمایندگی می کند؟

مصطفی اسدپور: حزب ما یک حزب "دیوانه" است! در ظرف کمتر از دو سال از تاسیس حزب، حکمتیستها با اقدامات بزرگ شناخته میشویم. برنامه های تلویزیونی هر روزه یکی از پروژه های قلبی ماست که اخیرا به صدر لیست اقدامات فوری رهبری حزب راه پیدا کرده است. برای ما این یک پدیده چند وجهی است. با این ترتیب حزب ما بار بسیار سنگین مالی تازه تری را به جان میخورد. انتظارات سیاسی عظیمی را در مقابل خود ایجاد میکند. مهمتر اینکه به استقبال هماوردهای سیاسی بزرگ میرویم. مقابله با جمهوری اسلامی فقط یکی از این جبهه هاست. لیست اپوزیسیون و چلنجهای سیاسی تازه تر پیش رو طولانی است. تازه، موانع متعدد پیش پای مبارزه مردم و در افتادن با انواع افکار و ایده های رایج در میان آنها را هم باید اضافه کرد. این یک گام اساسی در فعالیت این جریان خواهد بود. برای ما یک ضرورت است. هیجان انگیز است. برایش خیز برداشته ایم.

دو سال پیشتر از این در یک تصویر فشرده از حکمتیستها، خود را بمثابة گلوله آتشی که به جان جامعه خواهد

با رهبران حزب

رهبرانشان ایستادیم. چشم در چشم مردم هم ایستادیم. از تنها ماندن و موج حملات بخود نهراسیدیم. ایستادیم و همیشه حسرت خوردیم که چرا زورمان بیشتر از این نرسیده است. پس از این دو سال پر تلاطم جمهوری اسلامی کماکان بر سر کار است. مار خورده تر و افعی تر از همیشه هم هست. بیان لیست بلند بالای جریانات سیاسی را خود قضاوت کنید. اگر خواستید جایی که بما حمله میکنند، آنها را بهتر و سر راست تر بشناسید. ما تصمیم داریم با فعالیت سیاسی، در خیابانها، در جلسه با

مختلف، و از جمله حکمتیستها به بوته آزمایش گذاشته شدند. صحنه سیاسی ایران پر تلاطم و شدت بیرحم است. دد منشی جمهوری اسلامی فروکش نداشته است. سایر پرچمهای برافراشته شده از فدرالیسم، انقلاب مخملی، دخالت امریکا، قوم پرستی و امثال آن نوک کوه یخ کشمکشهای سیاسی در ایران را بدست میدهند. ما ایستادیم. نوشتیم. جلسه گرفتیم. تبلیغ کردیم. چشم در چشم نیروهای سیاسی، در خیابانها، در جلسه با

مؤثر تر دو سال آینده را در ←

اعتصاب غذا راهش نیست!

رسمًا به آن پیوسته ابائی ندارد و فشار مدیا و افکار عمومی بین الملل در سست کردن این اراده بی تاثیر است. زیرا جمهوری اسلامی بدون سرکوب و بگیر و ببند دیگر جمهوری اسلامی نیست و نمی تواند به راحتی سود سرمایه را از جیب کارگر بدزدد. فرض پیروزی کامل سندیکای اتوبوسرانی را پیش چشم خود قرار دهید تا ببینید اگر به آن طرز غیر انسانی با اسانلو و دیگر اعضای سندیکای شرکت واحد برخورد نمی شد جمهوری اسلامی از فردای آن روز باید خود را در گردآب اعتصابات سراسری کارگران می دید. نقض حق جهانشمول انسانها، نقض آزادی بیان و اندیشه، و تحقیر و توهین به زن از مولفه های روشن و بدون شک جمهوری اسلامی است و اعتراضات به این تناقضات با سرکوب وحشتناکی چه در دوران خاتمی و چه در ریاست جمهوری احمدی نژاد مواجه می شود. راه ایستادن مردم در مقابل جمهوری اسلامی از ایجاد اعتماد به نفس در مردم و انگیزه سرنگونی سرچشمه میگیرد نه از گوش فرا دادن به اعتراضات "غیر خشونت بار" روی کلمه خشونت بار تاکید می کنم زیرا احساس می کنم آقای گنجی و یا دیگر دوستان ایشان سعی دارند سرخوردگی مردم از انقلاب ۵۷ که به روی کار آمدن جمهوری مرتجع اسلامی منجر شد را در مسیر جمهوری خواهانه خود کانالیزه کنند ولی جدا از اهداف سیاسی آقای گنجی این عمل اعتصاب غذای ایشان حرکتی برای آزادی زندانیان سیاسی است ولی راه را اشتباه انتخاب کرده اند. اولاً که جمهوری اسلامی وقاحت را به سر حد خود رسانده است و نمی توان با همچین غول بی شاخ و دمی با نرمی صحبت کرد و گل رز به دستش داد. باید با تمام قوا لوله تفنگ را بر شقیقه جمهوری اسلامی گذاشت و تیر آخر را زد. ارزیابی من این است که آقای گنجی تنها به مطرح بودن خودشان در سمت راست صحنه سیاست می اندیشند و گرنه خود ایشان هم می دانند که این اعتصاب غذا فایده ای به حال زندانیان سیاسی ندارد. جمهوری اسلامی تا نبیند که قدرتی اجتماعی رو به رویش هست و یقه اش را سفت چسبیده است هیچگاه حاضر به از دست دادن زندانهای سیاسی به شمارش نیست. باید این نیرو را سازمان داد و سنتا این کار نه کار لیبرالهای عزیز بلکه کار کمونیست هاست و در صحنه سیاست کنونی جامعه ایران روی میز کار هر روزه فعالین حکمتیست قرار دارد. اعتراضات سازمان یافته، تجمعات با شعارهای مشخص و معین برای دستیابی به اهداف معین برش بیشتری دارد و گرنه از صد تا اعتصاب غذا با این سبک، آبی گرم نمی شود و باید به دنبال اقدامی عاجل برای آزادی این زندانیان سیاسی شد.

افتاد، معرفی کردیم. ساختن حزبی تازه را در موقعیتی بسیار دشوار پیش رو داشتیم. این دشواریها با موجی از کینه ورزی کور و دشمنی لجام گسیخته از جانب جریان بجا مانده، بمراتب بزرگتر میگشت. آن موقع زخمهای وارد بر کمونیزم کارگری را هم داوطلبانه زیر بغلمان زده و ترمیمش را بر عهده خود میدانستیم. میبایست خود را از نظر سیاسی باز تعریف کنیم. میبایست نیروهای خود را سازمان دهیم. میبایست هر چه سریعتر به کار اصلی خود، به فلسفه وجودیمان برسیم. میبایست سراغ جمهوری اسلامی برویم. در میلیتانت ترین جناح اپوزیسیون را شکل دهیم. میبایست عصای دست کارگر و مردم زحمتکش و انقلابی برای ساختن دنیای بهتر شویم. به جامعه متکی شدیم. در ضمن ما بلند پروازیهای خود را، قوز بالای قوز، با خود حمل میکردیم. جامعه و تحولات آن ما را با خود به جلو برد. این دو ساله با تلاطم های شدید سیاسی در جامعه ایران گذشت. این تحولات برای ما حکمتیستها کافی بود "چوبدستی هایمان" را کنار بگذاریم. دیگر لازم نیست به ادبیات ما مراجعه کنید. مدیا و مقامات رژیم، دشمنی و دوستی جریانات سیاسی، تصویر و انتظارات مردم و فعالین سیاسی تصویر گویایی از حکمتیستها را بدستتان میدهند. در مورد تلویزیون، اطمینان دارم تصویر کمابیش روشنی در مورد "کانال تلویزیونی پرتو" از هم اکنون وجود دارد. ما تصمیم داشتیم که به حقیقت پایبند باشیم. روی زمین سفت بایستیم. منافع مردم و طبقه کارگر را بر منافع حزب خود ترجیح بدیم. به مردم دروغ نگوئیم. آنها را "کودک" فرض نکنیم. فردای آنها را به منافع حقیر امروز نفروشیم. و در این مسیر از تنها ماندن خود نهراسیم. در همین دو ساله دهها بار بدیهیات ساده سیاسی، و با آن جریانات سیاسی، سیاستهای



با رهبران حزب

راه آزادی و برابری، متفاوت شکل دهیم. به ابزارهای موثرتر و از جمله به کانال تلویزیونی خود نیاز مبرم داریم. مردم ایران را باید از "بد شانس ترین" مردم دنیا بحساب آورد! کجا سراغ دارید دریایی از نفرت، مردمی پر از اعتراض، مردمی مملو از ابتکار و مقاومت، تجارب متعددی از قیامها و نبردها، همچون نمونه مردم ایران، حریف رژیم حاکم نشده باشند؟ مردم در ینگه دنیا با نصف همین مبارزه شاه میاندازند، جمهوری اعلام میکنند، باستیل را بر سر حاکمانشان ویران میسازند، عمامه و منبر میسوزانند و خیر انقلابشان را میبینند! داستان در ایران روند پیچیده تری را سیر میکند. مردم و در راس آن طبقه کارگر جمهوری اسلامی را نمیخواهند. همچنان نمیخواهند اما در انداختن جانوران حاکم هر روز بر "وظایف" و دلهره هایشان اضافه میشود. چگونه جمهوری اسلامی را باید انداخت که سناریوی سیاه نشود؟ بطور باید در راه انداختن رژیم قومپرستها و فدرالیستها را خنثی کرد؟ امریکا و جنگش را خنثی کرد؟ اینها سوالات

واقعی است که زنجیرهای تازه تری روی دست و پای آن مردم و قیام و انقلابشان میاندازد. آن مردم باید در ده جبهه بجنگند، علیه فلاکت رژیم، علیه دستگیری و فرسودگی از دست دادن فعالین، علیه ناباوری، علیه ترس. آن مردم مملو از مبارزه هستند. اما درجا میزنند. سوال پیش پای آنهاست. در تند پیچها راه حل برای تشکیل و سازمان مبارزه خویش میطلبند. این مردم از جمله دل بدریا زده و با انواع روشها و از جمله دیشهای ماهواره ای دنبال جواب گشته اند. جواب نگرفته اند. آن پا و آن پا میکنند. هنوز هم این پا و آن پا میکنند. هنوز هم مترصدند. پیچیدگی ماجرا در این است که بنا به منطق مبارزه اجتماعی کسی منتظر مردم نخواهد ماند. جمهوری اسلامی و امریکا و جانوران دیگر در کمین نشسته اند. پیچیدگی ماجرا در اینست که خود مردم و اعتراضشان نمیتواند درجا بزند. اگر خانه نشین نشوند، همگی طعمه سمومی به همان اندازه خطرناک خواهند بود. اعتصاب کارگران شرکت واحد تنها ماند. تظاهرات حق زن در ۲۲ خرداد ماه تنها ماند. در عوض دهها هزار نفر در تبریز و

بدنبال "ستم ملی ترکها"، علی القاعده باید پشت دلسوزان سرنوشت مردم در ایران را لرزانده باشد. در این کشمکش ما جای سیاستهای حزب خود را خالی میبینیم. ما پاسخ این شرایط و دشواریهایش را داریم. ما پاسخ سازماندهی و اتحاد مردم و سنگر بستن در مقابل مخاطرات سر راهشان را داریم. مردم میتوانند، هنوز هم از امکان آن برخوردارند که پوزه جمهوری اسلامی را سر راست به سمت دنیایی بهتر بخاک بمالند. اما وقت تنگ است. جنگ امریکا چه در اشکال خالص جنگی و محاصره اقتصادی و چه در ابعاد "جنگ" دامن زدن به تحرکات قومی و ارتجاعی غیر قابل چشم پوشی است. دو سال آینده نمیتواند و نباید همانند دو سال قبل طی شود. این کاری است که ما از جمله با یک ابزار قدرتمند تبلیغی در پی انجام آن هستیم. باید اشاره کنم که برنامه تلویزیونی برای ما یک ابزار تبلیغی است. ما توپخانه تبلیغی موثری را در حمایت از کار متحد کننده فعالین کارگری و توده ای در محل را داریم میسازیم. ما منجی مردم و با اوراد سحر آلود نیستیم. هیچ انقلابی هم با "تشجیع" ایران را حمایت کنند!

حضور جسورانه گارد آزادی در شهر نقده و استقبال صمیمانه مردم!

واحدای گارد آزادی در ساعت ۱۰ شب و بعد از اتمام ماموریت موفقیت آمیز خود، در میان شور و شوق مردمی که موفق به دیدن آنها شده بودند، به حضور مسلحانه خود پایان دادند. حضور واحدهای مسلح حزب حکمتیست، این پیام آوران دفاع از آزادی و برابری، دفاع از مدنیت و کرامت و حرمت انسان، مایه خوشحالی و امید جوانان و مردم شهر نقده بوده است. امشب مردم زیادی به طرق مختلف و توسط مردم محلاتی که رفقای ما را دیدند، از حضور گارد آزادی مطلع و شاد و خوشحال شدند و امید به رهایی در آنها زنده شد.

گارد آزادی هستند، به دیگران اطلاع میدادند و با خوشحالی همراه غرور از نیروهای مسلح حزب حکمتیست صمیمانه استقبال کردند. رفقای ما ضمن به کنترل در آوردن منطقه اقدام به پخش ادبیات حزب حکمتیست و از جمله فراخوان های گارد آزادی و منشور سرنگونی جمهوری اسلامی نموده و با مردم محلات فوق دیدار و گفتگو کردند.

جوانان و مردم مبارز محلات فوق، بعد از گرفتن اطلاعیه ها و خواندن آن، در مورد گار آزادی و فعالیتهای آن و چگونه پیوستن به گارد آزادی از رفقا سوال میکردند.

سه شنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۸۵ برابر با ۴ ژوئیه ۲۰۰۶ واحدهای گارد آزادی در میان استقبال گرم و صمیمانه مردم مبارز نقده در این شهر حضور یافتند. ساعت ۹ شب واحدهای گارد آزادی در محلات میدان سیگار فروشان، خیابان مولوی ۲، محله مسجد بلال حبشی، فرهنگیان، محله مشهور به ۱۶ دستگاه و بلوار پیرانشهر حضور یافتند.

رفقای ما با هوشیاری و کاردانی محلات را به کنترل خود در میاورند و در میان نا باوری همراه با هیجان مردم در این محلات حضور یافتند. مردم پس از اطمینان از اینکه نیروهای مسلح از

فرماندهی گارد آزادی، حضور جسورانه و سازمانیافته و هوشیارانه واحدهای گارد آزادی در نقده را به این رفقا تبریک میگوید و دست همگی را صمیمانه میفشارد و برای همگی آرزوی موفقیتهای بیشتر را دارد.

فرماندهی گارد آزادی
عبدالله دارابی



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

توضیح سردبیر:

مرداد ۷۸، اوت ۱۹۹۹ رادیو انترناسیونال مصاحبه ای با منصور حکمت به مناسبت اعتراضات وسیع در ۱۸ تیر ۷۸ انجام داده است. ما از کل مصاحبه یک سوال را انتخاب کرده ایم که تمایز میان مقوله انقلاب با سرنگونی رژیم از دیدگاه کمونیستی توضیح داده شده است. این رژیم می تواند در پروسه جنگ احتمالی آمریکا سرنگون شود بدون اینکه قیامی صورت بگیرد، می تواند عراق امروز شود، میدان تاخت و تاز نیروی های قومی و عشیره ای و مذهبی شود. می تواند تجزیه شود، می تواند از درون طبقه حاکمه، یک دولت بورژوایی جدید به جای رژیم اسلامی بنشیند که مانع عروج سیاسی طبقه کارگر شود. رژیم اسلامی با حکومت سلطنت در پروسه سرنگونی جدا است. چرا که در خود این پروسه بخشهایی از اسلاميون سابقا در قدرت برای ادامه جنگ و کشتار و تعیین تکلیف با اوضاع سیاسی و اقتصادی در ایران در صحنه خواهند ماند. آنچه برای هر انسان کمونیست و آزادیخواهی امروز از اهمیت برخوردار است آگاهی از اوضاع خطیر امروز است، آگاهی از استیصال مردم و از تدارک سناریوی سیاهی که بر فراز جامعه ایران توسط آمریکا و دستجات قومی فاشیستی اش چیده شده است. جامعه مستاصل می تواند اعتراضش به وقیحانه ترین شکل سرکوب و به کج راه کشیده شود. جامعه مستاصل رهبران کارگیش، دانشجویانش، زنانش و فعالین سیاسی اش وحشیانه شکنجه خواهند شد و قربانیان این وضعیت خواهند ماند. خاتمه دادن به این اوضاع تنها در گرو دخالت فعال کمونیستها و طبقه کارگر در خاتمه دادن به این اوضاع است. توان قدرت به مردم را باید بازگرداند. خواسته هایشان را باید پرچم اعتراضشان کرد. منشور سرنگونی ما حکمتیستها این را تضمین خواهد کرد.

انترناسیونال: بعضی از شروع یک انقلاب سخن میگویند. آیا این یک انقلاب

جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز می شود!

است. آیا انقلاب ۵۷ دارد تکرار میشود؟ چه تشابهاتی میان جنبش امروز و آن انقلاب می بینید؟ چه تصویر استراتژیکی از روند



اوضاع دارید؟

منصور حکمت: آنچه الان در جریان است یک انقلاب نیست. میتواند شروع یک انقلاب باشد، و میتواند نباشد. بنظر من عدم تشابه میان اوضاع این دوران با انقلاب ۵۷ به مراتب بر تشابهات آنها می چربد. آنچه ما شاهدیم شروع جنبش توده ای مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. من تردیدی ندارم که این جنبش پیروز میشود. یعنی رژیم در ادامه جنبش جاری برکنار میشود و جای خود را به چیز دیگری میدهد. اما بکار بردن مقوله انقلاب برای این جنبش این اشکال را دارد که تصاویر و معادلات انقلاب ۵۷ را در اذهان فعالین امروز زنده کند و لاجرم دینامیسم های متفاوت دوره کنونی را از چشم پوشیده بدارد. بنظر من ایران میتواند در آستانه یک انقلاب باشد، اما چه بسا این انقلاب تازه با سرنگونی رژیم اسلامی، یا لاقبل با فلج کردن آن، به معنی واقعی کلمه شروع بشود. بعبارت دیگر من جنبش مردم برای سرنگونی را، با همه خیزشها و قیامها و نبردهایی که در بر خواهد داشت، از انقلابی که میتواند از دل این جنبش عروج کند متمایز میکنم. جنبش سرنگونی طلبی میتواند پیروز شود بی آنکه لزوما کل ماشین دولتی را هدف گرفته باشد و یا در هم کوبیده باشد، بی آنکه یک تک قیام پیرومند علیه

میکنیم. بهترین حالت برای ما همین است که رژیم اسلامی با یک انقلاب کارگری سرنگون شود و بجای آن، مستقیما و به کم مشقت ترین شکل، یک حکومت کارگری با یک برنامه کمونیستی برقرار بشود. اما این تنها سیر ممکن و یا لزوما محتمل ترین سیر نیست. زیرا بنظر من نفس اوجگیری جنبش کمونیستی کارگری و قرار گرفتن آن در راس جنبش اعتراضی باعث تجدید آرایش در درون طبقه حاکمه و پیدایش دولت بورژوایی جدیدی بجای رژیم اسلامی خواهد شد که بتواند از موضعی قوی تر و با برخورداری از حمایتی وسیع تر در درون خود طبقه بورژوا چه در ایران و چه در سطح بین المللی، با عروج سیاسی طبقه کارگر در ایران مقابله کند. بعبارت دیگر جمهوری اسلامی ممکن است دقیقا برای اجتناب از انقلاب کارگری، یا برای مقابله با آن، توسط خود بورژوازی کنار زده بشود. بهرحال فاکتورهای زیادی در رویدادهای آتی دخیلند. آنچه من میخوام تاکید کنم اینست که این مبارزه کشارتر، پیچیده تر و چندوجهی تر از مبارزه علیه رژیم سلطنت است. حتی با سرنگونی رژیم اسلامی همه نیروها، حتی بخشهایی از خود اسلاميون سرنگون شده، برای ادامه جنگ قدرت و تعیین تکلیف نهایی نظام سیاسی و اقتصادی در ایران همچنان در صحنه میمانند. حزب کمونیست کارگری باید این پیچیدگی را در سیاست عملی و تاکتیکی و اولویتهای سازمانی خود دخیل کند. سرنگونی هدف ماست، اما پایان کار نیست. نبردهای تعیین کننده تری در راه خواهد بود. باید نیروی آن نبردها را از امروز متشکل کرد. این دوران برای ما نه فقط دوران مبارزه برای سرنگونی، بلکه دوران بسیج طبقه کارگر برای ایجاد یک صف مستقل و حزبی برای ادامه مبارزه تا برقراری حکومت کارگری و خلع ید از سرمایه در سیاست و اقتصاد است. راجع به معانی عملی این تعبیر از روند اوضاع میشود و باید خیلی بیشتر صحبت کرد.